

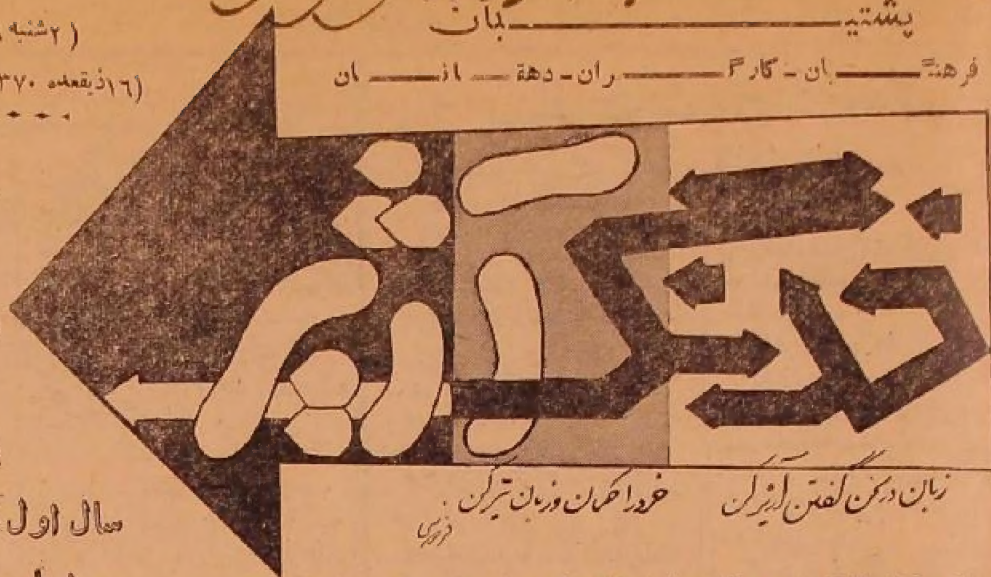
جای اداره
سبزه میدان منزل شخصی

لوايح خصوصي
در حكم آگهي است
اداره درك و اصلاح مقالات
وارد مجاز است

سا ليا نه ۶۰ ريال
يك شماره ۱

سال اول شماره دوم

شماره مسلسل ۲



زبان دشمن گفتن آيزيرك
خودا كمان و زبان تيرك
زير

فرهنگيان كارگران دهقانان با ما مكاتبه كنيد از شما پشيباني خواهيم كرد

كرمانشاهي بيدار شو

كرمانشاهي خوش استقبال و بد بدرقه است (! چرا (! بچه علت (!)

كرمانشاهي باك طينت، كرمانشاهي
خوش بين، كرمانشاهي كه شرم و
حيا در طينش عجين است
كرمانشاهي كه از تزوير و ربا و
خنده بيزار و بري بوده
سرتا سر وجودش را پاكي و حقيقت و
صداقت پوشانیده تصوير ميكند كه تازه
وارد در دژ سيماي پاشش و ظاهر آراسته
خود، باطني اصیل و ذاتي باك و بي
آلايش نهان دارد. بقیه ص ۲

چه اشغاصي اين تهمت را بجا و وارد
ميدانند؟! آنانيكه ديك طمعشان - سوراخ
است. آنانيكه دهل ميان تهي هستند
و بيم دارند روزي برده آنها ياره
شود. آنانيكه ميل ندارند از خرم را
بزر بر آيند.

آنانيكه متوقع اند براي هميشه
بكرمانشاهي آقائي كنند.

آنانيكه كرمانشاهي را بچشم برده
مينگرند و توقع بندگي دارند.

آنانيكه همه نوع تعدی و اجحاف
بكرمانشاهي كرده و عكس العمل
آنها ندیده اند.

آنانيكه انتظار دارند در هر شهر
يا در هر مقام كه هستند باز كرمانشاهي
برده آنان باشد.

اننان اند كه ميگویند كرمانشاهي
خوش استقبال و بد بدرقه !!!

هر كس كه در هر لباس و هر مقام
بهر اسمي ياي بدین شهر می نهد

الله مع الجبهه

((حسننت باتفاق ملاحت جهان گرفت))

((آري باتفاق جهان می توان گرفت))

يكی از آن خزان و دفينه خدا داده
ايران است مال ايراني است.

آري در نتیجه يك اتحاد بفرضانه
يك اتفاق حقيقي معنوي : در برابر

ملتي كه تا ديروز در دنيا نقطه اسمي
از آنها باقي مانده بود و در اطلسهاي

جغرافيايي رنگ و حدودی، كشوري
بزانو در آمد كه غروب آفتاب را

از پرچم خود انكار و محال ميگذاشت.
اين دستهاي خائنه و تحريكات

مروژانه كه ميخواست اين دستهاي
اتحاد را از هم جدا كنند و بين

توده آتیه متابعان تفرقه اندازد.
با اراده حق قطع و عداوت و

تحريكشان نقش بر آب شد.
بحمد الله : با اراده بكننا قادر

متعال. يكي از خزان و سرمايه
سرشار ايراني كه سالها مورد استفاده

بيگانگان بود يار ايران باز گردانیده شد
» بقیه در صفحه ۴ «

مكنايكه دست پير مرد سالخورده
در فضاي آرام و ساكني آهسته به
طرف يك شخصيت بزرگ روحاني

پاي اتحاد دراز شد.
بچه قدرت الهی : آند و دست

سيده بيم را در كف خويش گرفت
گويي كروي بيان كه بانك نصر

بن الله و فتح قريب آنها در فضاي
لا طين انداز بود، بالسان ملكوتي

مناي ايران نويد ميدادند. كه اين
هاد كشتي متزلزل ايران را بساحل

بيد خواهد رسانيد.
شماره ها و رياحين، ذرات

ساي مجاور. حتى سنگ ريزهاي
بر پاي آند و. بزبان جمادي

تجاني تكرار ميگردند : آنچه را
كه كروي بيان املا ميسرودند

يون دو تن يك : دو تن كه نمونه
حقيقت : شرافت، وجدان، ميوه

برستي، ملت خواهي است. بدون
چ نظر و نيت شخصي بهم پيوستند

الهي كه پشيباني گفته : ذات اقدس
رست نيز آنها را تحت الواي عنايت

حفاظت خويش جاي داد.
با آنها پشيباني كرد : از هر گونه

عناد و بلايا مصونشان داشت.
در قلوب توده ملت از خرد و كلان

مي بخشد كه با لاتفاق پاي را
هاي فديبي كه آنان بر مي دارند

خارده و در تمام موارد پائنها قاسي
رود و با آنها هم آهنگ شده.

وما از مرد و زن : پير و جوان،
يوگير، همه باهم يك صدا ميگویند

بان و سرمايه ايران هر چه هست
هر چه خواهد باشد. كه غت هم

غوغای آب

و حقيقت آن « ۲ »

نهر دو امتحانه : نهر و قنات دولنگانه
تو اما قسمت بخش ۳ را كلا و منازل
واقع در قسمت غربي خيابان سيه و
ميدان ملا عيسايي و سرتيه و زندان
شهرباني و ديرستان شاه پور و منزل
سابق مرحوم معتمد تا حدود مسجد
حاج سيد يحيى را مشروب ميسازد.
اين نهر هم در تبذير و تفریح در
زمينههاي صيفي كاري دچار سر نوشت
نهر مير سيد علي و آب سراب ميباشد
جبه خانه : مخصوص سربازخانه
شهري و فيض آباد است كه آنهم در
اكثر منازل تليه هاي دستي بكاورفته
و استفاده هاي خيلي بيشتر از حق آب
اصلي مي نمايند.

قنات آغني : قنات آغني كه آبيش
نسبت بساير قنات و انهار فوق الذكر
كمتر است و در صورتيكه لا رويي
شود و مادر جامه آنها بالا بيايند ممكن
است آب آن بيشتر شده و استفاده زياد
تري از آن شود مخصوص برزه دماغ
بوده و امسال بعلت كم آبي آب قنات
مزبور در حكم صفر ميباشد بقیه ص ۳

دینی بنی هاشم و بنی امیه

اگر ايشان باشد، يعني بنا بر عقیده
جمعي از مسلمانان خليفه رسول (ص)
بايد با او قرابت نزديك داشته و سابقه
اش در اسلام مورد تصديق عموم باشد
و علاوه رسول خدا او را باين سمت
معرفي كرده و با لائق سفارش او را
كرده باشد پس بنی امیه چه ميگفتند
و کدام يك از اين موجبات در آنها
بود ؟ و بطور يقين هيچك از افرادي
كه بطرف قبله اسلام نمازي خوانده

چنين موجباتي در بنی امیه ندیده و
قابل نبودند.
و اگر بفرض بگویند خلافت بارت
با از طريق مطلق قرابت يعني اتحاد
اصل وریشه بشخص ميرسد كه بشهادت
تمام مسلمين قرابت بنی امیه با رسول
خدا باينصورت و كيفيت نبودو حتی از
يك ریشه هم نبودند.
و اگر تنها سابقه در اسلاميت را
مناط قرار بدهند كه بنی امیه بقیه ص ۴



گرمانشاهی بیدار شو

بقیه از صفحه ۱

لذا با آغوشی باز او را استقبال کرده امیال او را بوقت مراد انجام میدهد و در دامن محبت گرمای پذیرایی میکند برده و از تمکین از خواسته ها و اوامرش میکند ولی چیزی نمیکند که آقا تمام مرام و خدمات گرمانشاهی را ندیده انگاشته خرمراد را مطابق میل و دلخواه خود رانده .

مصلح فردی و عمومی گرمانشاه و گرمانشاهی را زیر پا هشته به پر کردن دیک آرز خود و انجام مقاصد شوم و پلید خویش میبردازد .

گرمانشاهی نجیب که در پای منظور و سرائی بی سود بلکه مضر میباشد قط بروی برگردانیدن اکتفا کرده . حسن کینه توژی و انتقام کشی را در خود کشته تمام تعدیات خلاف کاربها ، اجافات ؛ ربا کاری ؛ و همه مظلالم متحده را صرف نظر کرده و منحصر بسا برگشت از او و سلب عقیده و ایمانش قلم غو بجاییش میکند این حسن نیت و خصلت مدوحه انسانیت که غو و اغمازش نامند و در فرد فرد گرمانشاهی بطور اتم و اکمل وجود دارد .

در نظر شخص وارد بلیاس بدد رقه جلو میبندد .

آنوقت است که آقا برای آنکه دیگر نمیتواند عنان خرمراد را از کف بدهد و دالش نمیخواهد از روی این گنج بی رنج کنار رود .

دهان را تا بنا گوش باز کرده و میگوید آری گرمانشاهی خوش استقبال است و بد بدرقه !!!!

اگر نه چنین است ؟

اگر گرمانشاهی گذشت حتی هم از خود گذشتی را ندارد ، انصاف دهد یا چه شخصی تا کشتن کینه توژی کرده و درصدد انتقام برآمده است در تخریب و محو و آزار کدام کس بعد از رفتن اقدام نموده ؟

کدام مامور اداری بادست گرمانشاهی از گرمانشاه بدیوان کفر رفت ؟

کدام تا پاك از گرمانشاه بزدان منتقل شد ؟

آیا شما قائلید که همه ماموریت ادارات که باین شهر آمدند و رفتند اشتاد سلمان بودند و یا شاگردا باز ؟

پس ای گرمانشاهی : بیدار شو بعیب و نقص اخلاقی خود بی برب بدان که چرا تو دواماج این تهمت قرار گرفته می .

آیا میدانی چرا ؟

برای آنکه تو هر تازه واردی را ؛ نسجیده ، نشاخته بی به ذات و وضع در هر لباس و هر طبقه و هر مقام که هست نشاخته کور کورانه پیروی میکنی احترام بی حد میگذاری .

پس خلاف و فوق آنچه که هست جلوه اش میدهی .

ایساخت اسم مادری را ندارد اما تو حضرتش مینامی ؛ جنابش میخوانی اقدس ، اعظم ، اشرف و بالاتر از اینها خطابش میکنی او که خود را درخور اینگونه احترام نمیداند خود را کم کرده . خیال میکند آری همان است که تو مینامیش .

ا بنست که بنظر حقارتت نمیکرد و بریش حماقت لب خند میزند .

ای گرمانشاهی : بجای آنکه قبل از آشنائی با او در اطراف و جوانب شخصیت او ؛ نسب و نژاد او ؛ فضل و کمال او ؛ زهد و تقوی او ؛ سابقه و روش او ؛ عفت و عصمت او ؛ تحقیق کنی و او را در همه بطوریکه فطرت و طبیعتش هست نه بصورتیکه تو دیده می بشناسی اگر صالح است و نیکو نام قبولش کنی و آنگاه بخود و اهش دهی .

و اگر غیر از آنست که خود را مینمایاند بلا درنگ طردش کرده و بخود راه مده .

اگر مامور اداریست ، روش و افعال و اعمال اداری و اخلاق اجتماعی او را تحت کنترل و مراقبت قرار بده .

اگر دیدی ؛ مصالح و رفاهیت تو و شهر تو را در نظر دارد .

بوقع مصالح اجتماعی و عمومی این شهر « در هر مقام که هست » قدم بر میدارد .

آنگاه با اورفتار کت آنطور که غریزه گرمانشاهی است همچنین اگر در لباس غیر اداری است از هر طایفه اعم از روحانی - بازرگان - صنعتگر - فلاح متمول و از هر طبقه و صنف مختلفه بیکه باشد . تا او را در کسوره امتحان و تجربه نه پند آزی سر احترام در برابرش فرود نیاید .

اگر در لباس روحانی است ؛ فضل و دانش ، فهم و بینش او را بسنج . اگر خود عاجز از مقابله و معاویره در محضر علماییکه سالها است بانها اعتماد دارند کشانیده و در میدان مباحثه اش وارد سازید تا معلوم شود عمامه و رد است ؟ یا آنکه حقا زحمتی کشیده و باصطلاح در راه تحصیل فضل و دانش استخوان خورد کرده است .

و اگر نه چند کلمه ردیف کردن و لغاظی نمودن و جملاتی را مطابقت سلیقه و برای خوش آئیند و اغوای چند عامی بهم بافتن دال بر فضیلت او مافوق فضلائیکه داوید نیست .

تقوی و زهد او را عملا مشاهده کنیید دقیقا عصمت و عفت او را تحقیق کنیید اگر بافتش آنچه واکه حقیقت پوشش آن لباس است آنگاه بساو

ترومن از جان ماچه میخو اهد

دیشب رادیو لندن گفت : هریمن نماینده رئیس جمهور آمریکا در مورد تفت پشتیبان پیشنهادات انگلستان بایران میباشد

ده سال است ؛ دولت آمریکا به عناوین مختلفه ؛ کلاه سر ما گذاشته و ما را مسخره میکند . طلای ما را میبرد در عوض لباس کهنه ، بادکنک اسباب بازی بچگان و و و هزاران اشیاء و اجناس نا چیز بما تحویل میدهد .

کیسه کش حمام را بنام مستشار بما تحویل می کند .

کسی نمیداند ملتی که تا دیروز هیزم شکن انگلیس بود ، امروز چگونه یار غار شده و دلال محبت ؟

خیلی از دولت دکتر مصدق بعید به نظر رسید که این تحفه نظیر آقای ترومن را پذیرفت ؛ و بسا اجازه داد که بایران بیاید و بعد هم پرود دلالی کسیده ، چند تن مثل خودش را بیاورد و قویا هم از آنها پشتیبانی کند . مثلی است معروف (روباه پوراخ نمیرفت چاروبهم بدتش بست)

افکار عامه ؛ این دلال محبت را نمی بگویند و دنبالش افتند نه آنکه از هر گوشه ضوئی سرزند پروانه اش شویند . غافل از آنکه شعله کلنجبست و شما را سوخته و نابود میسازد .

مابانانیکه این تهمت را بگرمانشاهی وارد میسازند میگوئیم گرمانشاهی بد بدرقه نیست .

گرمانشاهی اگر از کسی استقبال کرد ؛ استقبالی میکند کینه مشایعت دنبال ندارد .

زیرا گرمانشاهی وقتی گوهر حقیقت را در وجود تازه واردی یافد ؛ چنان در سینه محبت خود جایش میدهد که هیچ وقت محتاج به بدرقه نخواهد شد .

آنکه خود بالفطره دارای گدوهر معنوی و خصال حمیده و صفات پسندیده انسانیت است بگرمانشاه وارد میشود و ارزش واقعی طبیعت و صفات مستحسنه خود را از دست گرمانشاهی گرفت هیچگاه یاد مسقط الراس خود را نکرده و بکلی پشت نموده ساکت و بی جانان میشود .

چنین شخصی بر گشتی ندارد که بدرقه به بیند و یا انتظار داشته باشد دلیل ؟! عاقب فاضل های محترم و جلیلی است که فلا در گرمانشاه نام گرمانشاهی نامیده میشوند و در گرمانشاه با احترامی خواص میزیند و گرمانشاهی بفرق بفرق آنست احترام میگذارد .

پس گرمانشاهی خوش استقبال هست ولی بدرقه برای اشخاص صحیح العمل متقی ، پاکدامن ، ندارد و تاکنون مشایعت از یک فرد انسان کامل نکرده که معلوم شود . بد بدرقه است (نا تمام)

چاپخانه کاوه گرمانشاه

اولین چه باین چه از این مطلب از چه ههای دست و استعرا تنها او علی ایستاده و ص آن کف از ترقی بدین قسمتی از صابون خیر چون نور عبور کند از سفیدی علاوه بر آن که مقدار خیر مقابل چشم ما سیاری ! آقای هریمن نمی المثل از خون را و نك زرد ضرا و اگر گری جمع و تشکیل ده

بخش علمی چراغ صابون رنگین سفید است

اولین چیز قابل سؤال اینست که بدانیم کف صابون در نتیجه چه چیز پیدا میشود؟ کف صابون از حبابهای آب تشکیل مییابد باین مقدمه که صابون آبر را حالت چسبندگی میدهد و در نتیجه

حبابهایی که از آب تولید میشود بهم می چسبند و این چسبندگی مدتی طول میکشد پس از این مقدمه وارد اصل مطلب میشویم تا به بینیم که از چه جهت کف صابون های رنگی تقریباً سفید است و اگر مثلاً صابون قرمزی را استعمال کنیم در کف آن تنها تلالویی از سرخی می یابیم و علی ای حال رنگ آن مایل به سفیدی است؟ قشری که از ترکیب آب و صابون ایجاد میشود و از آن کف تولید میگردد بسیار نازک است چنانکه در طبیعت قشری بدین تازگی نتوان یافت. بدین ترتیب در چنین قشری که قسمتی از آن آب و قسمتی دیگر صابون است ناچار شده رنگی بمقدار خیلی کم وجود دارد و چون نور از ماده بسیار کم رنگی عبور کند تنها مقدار بسیار کمی از سفیدی آن کاسته میشود و علاوه بر این جسم رنگی وقتی که مقدارش کم باشد خود از حالت اصلی رنگ خویش بظاهر عدول نموده رنگی جدیدی در مقابل چشم نمایش میدهد چنانکه فی المثل اگر یک جزء کوچکی از خون را ملاحظه کنیم آنرا با رنگ زرد ضعیفی می بینیم و حال آنکه اگر عده زیادی از همین اجزاء کوچک (گلولها) در گرمی جمع شوند و قطره خونی را تشکیل دهند رنگ قرمز سیر و

جدول شماره ۲

۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

۱					
۲					
۳					
۴					
۵					
۶					
۷					
۸					

عمودی: ۳ مدسرسر بسته خارجی
 ۴- اگر (ر) با خورش اضافه کنی نام یکی از مجله های هفتگی مرکزی میشود.
 افقی: ۱ نام قصه است در ۳۶ کیلومتری شرقی کرمانشاه.
 ۲- طریقی که رهروان رفتند
 ۳- ... در باب بیروت دنیا.
 ۴- با هم که شوند ۲ میشوند
 ۵- برای مردهم باعث سعادت است هم بد بختی.
 ۶- اگر (ا) در وسطش اضافه کنی قرض کرده.
 ۷- اگر (ب) پیش گذاری نام یکی از بخش های جنوب خراسان میشود.
 ۸- نان در آن میزنند.
 به برنده نقر اول ۳ ماه روزنامه برایگان تقدیم خواهد شد.
 پاسخ با یک ریال نمبر پستی پذیرفته میشود.
 زیبایی را مشاهده مینمائیم. ناتمام

نکاهی

((پیام لرسانه بد کمتر مصدق))

- *(خانه ات آباد دکن کشوری آباد کردی)*
- *(ملت کد بسته را از قید آزاد کردی)*
- *(زور گوئی را تو پاسخ با کلام نرم دادی)*
- *(گفته بی اصل را باطل تو با استاد کردی)*
- *(با وجود ضعف بنیه حالت غش مرحبا)*
- *(در نبرد تن بشن حقا که تو یسداد کردی)*
- *(مرد مردانه قدم بگذاشتی میدان چو شیر)*
- *(زور بازویت بنارم تکیه بر اجساد کردی)*
- *(آنکه بود استاد اندر مکر حیل در جهان)*
- *(با صداقت همچو شاگرد مغرش استاد کردی)*
- *(تا جهان باقی است گوید (لر) باواز بلند)*
- *(خانه ات آباد دکن کشوری آباد کردی)*

خوشای آب

بقیه از صفحه ۱

آب شهرداری! پس از مشروب نمودن قسمتی از منازل غرب خیابان سپه وارد نهر دوات خانه شده و بآن کمک مینماید.
 آب دو دانگ! پس از مشروب نمودن قلیچ خان و اراضی زیر رفتیه اگر از آن باقی بماند بگلستان که ملک آقای حاج توکلی است جاری میشود.

اراضی واقعه در خط سیر این آب را آقایان مالکین آنها از قبیل آقایان حاج نور بخش و ورنه مرحوم حاج صراف باشی دکتر احتشامی. حکیم زاده و امثالهم که سابقاً باغ بوده و فعلاً زمینی بیش نیست، باحق آبه معدولی مطابق سند مالکیت فروخته صاحبان فعلی زمین حق آبه خود را بدیگران برای استفاده صیفی کاری و سبزیکاری باجاره داده. این نهر را نیز بسر نوشت سایر انهار مبتلا ساخته. منازل را که زیر این زمینها واقع شده در انتظار آب خسته جان ساخته اند.

آب یاوری! مخصوص محله چنانی بوده و بدان محله اختصاص دارد. نکته قابل ملاحظه اینست که طبق صورت مجلس تنظیمی که در شهرداری موجود است همه ساله از دهم خرداد ماه تا اول مهرماه آب سراب بنسبت ۵ و ۲ دو قسمت باغات سراب و ۳ قسمت آن اختصاص بشهر دارد و از مهرماه تا دهم خرداد مجموع آب انهار بالا مخصوص شهر بوده و باغات حق استفاده از آنها ندارند.
 آژیر: با شرح تفصیلی فوق اعلام میداریم که این انهار و قنوات فعلی برای شهر کنونی کرمانشاه کافی نبوده و نخواهد بود زیرا وقتی این آبها کرمانشاه را تکفوء میکرده که شهر کرمانشاه از اول تکیه ضرابها در فیض آباد الی منزل آقای دکنر دلتشاهی طولا و از منزل مرحوم قاسم میرزا تا منزل مرحوم معتضد عرضاً و دارای ۳۰ الی ۴۰ هزار نفوس بوده است اکنون که شهر بنسبت سرسام آوری بطول و عرضش افزوده شده. و باز هم دارد پیش میرود و جمعیت آن از صد هزار متجاوز میباشد. بقیه در صفحه ۴

خبر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول میر قوام الدین آذری

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بنی هاشم و بنی امیه

چنین افتخاری نداشتند . در اینجا میگوید : اگر راستی بنی امیه سابقه در اسلام داشته و در اعلائی کلمه حق و اسلام خدمتی کرده بودند باز هم عیبی نداشت و تنها همین شرط کافی بوده و بعبارت اخیری در این صورت تصدی آنها بخلاف آفندرها عجیب بنظر نمیرسد و شاید مسلمانان خود را تا اندازه قساصت میباشند و چندان بر آنها گران نمی آید . ولی اینها چنین سابقه که نداشتند سهل است ، بعکس با اسلام مخالف و معاند بوده و ابوسفیان رئیس آنها بزرگترین مانع پیشرفت اسلام بود و دائما در سد کار شکنی و اغفال و اغوای مردم و یکی از معاشرین جدی و مخالف سر سخت رسول خدا بشمار می آمد و در مخالفت و عناد و آزار ایذاء بقیمیر (مس) افتخارها میکرد و عده زیادی از مسلمانان صدر اسلام را کشت و چه کارهایی که نکرد . و چه دست بندی هائی که علیه رسول نمود . و اگر بناچار و ترس از کشته شدن نبود هیچگاه علی الظاهر اسلام نمی آورد . عباس بن عبد المطلب عموی رسول خدا نگذارد مسلمانان که با او خوئی بودند او را بکشند او را در ردیف خود سوار کرد و نزد پیغمبر آورد از آن جناب استعفا کرد که او را مورد عفو قرار دهند و خواهش کرد با او مهربانی و عفو و رفتار فرمایند و با احترام نمایند . عباس تقاضا کرد که رسول خدا بر او منت گذارد و ابوسفیان را ببخشد رسول اکرم تقاضای عم بزرگوار خود را پذیرفت و ابوسفیان را آزاد کرد اقدام رسول اکرم در مسعود ابوسفیان از اقدامات بسیار جوادانه است که در تاریخ اسلام با خطوط برجسته ثبت شده و دوست و دشمن عظمت روح و علوه و قدرت نفس رسول خدا را تصدیق و شناسایی کردند و بقدری این واقعه مشهور است که تمام مسلمانان آنرا با تمام خصوصیات میدادند و باضافه میدانند که بنی امیه مخصوصا اولاد ابوسفیان چگونه این

یدالله مع الجماعه

اکنون : ای ایرانی بهش باش که در کمین تو گر گهائی تشنه و گرسنه نشسته ، هر آن انتظار یک غفلت کوچک تو را دارند . تا میش شیر دهن را بر بایند . ایرانی : بیدار شو . بدان باجه خون چکری ثروت از دست رفته خود را مالک شدی . با تمهید دیگران و حیل بیگانه و بیگانه پرستان اغفال نشوی اگر خدای نکرده بار دیگر ناخن این حیوان سیع این دد درنده این تمساح خونخوار . به یک عضو تو که اطلاق به یک فرد میشود بند شود . دیگر امید رستگاری نخواهی جست ، محوی و محوی . نابودی و نابود . اعقاب و نسل آینده تا يوم قیامت تو را لعنت کرده و نفرین بر وخت نثار خواهند کرد . ایرانی : بخود آی رشته اتحاد را نکسلی و خرمن اتفاق را با آتش نفاق مشعل سازی : از هم متفک نشوید . زیرا جدائی یک فرد تو از دیگری میدان مساعدیت برای جولان حریف با هم متفق بوده و از نفاق برای همیشه دوری جوئید : با هم متحد باشید که خداوند با شما است : چنانچه فرمود : یدالله مع الجماعه « آذری »

اولین شاعر ایرانی که از وجود اتم خبر داده

مواوی در مثنوی خود در بیات مرامیت اذریت . وجود اتم و خواص آنرا صریحا بیان کرده است . (هست در هر ذره خورشیدی نهان) عاقبت این ذره بگشاید دهان) پیش از آن خورشید چون جست از کمین (ذره ذره گردد اجزاء زمین) محبت ها و مهربانیهای رسول را جبران نمودند . و با فرزندان رسول اکرم و نزدیکان و بستگان و عترت و خانواده او چه ها کردند .

صفحه ۴

اطلاعات تاریخی

اول کسیکه قبل از بعثت خط کوفی را در مکه رواج داد حرب بن امیه بن عبد شمس بوده و حرب در کوفه از عبدالله بن جعدان آموخته بود خوش نویسان عرب در اوایل بعثت عبارت از حضرت امیر علی بن ابی طالب ابابکر عتیق ، عمر بن خطاب ، عثمان بن عفان ، ابی بن کعب ، زید بن ثابت بوده اند .

آخوند مکتبی چگونه داماد شاه شد ؟

ملا آغاسی که صورتی گریه و اندامی نحیف داشت ، بین همقطاران دلقکی بود که کریم طبعی داشت و مقتدی نظیری بود از اشراف پولی بدست آورد و عزم مکه نمود در راه بقافله عظیمی که باشکوه سلطنتی عازم مکه بودند بر خورد کرد جوایحی حال صاحب آن دستکاه و جلال گردید باو گفتند صاحب این خرگاه عز السلطنه عمه محمد شاه دختر مرحوم خاقان است . ملا را هوای سرافتاد و قصد وصلت با شاهانرا کرد . با رعایت دستور عید ذاکانی شبی در حین اداء و اطوار مخالف بازبان دلقکی تقاضای ازدواج از شاهزاده خانم کرد مضروب شد . و دیگر بارش ندادند تا آنکه آسمان کار خودش را کرد و سر قلم تقدیر کج شد و بفتح ملاچرخید ملا پس از مالی صدر اعظم مملکت شد اولین تقاضائی که از شاه وقت (محمد شاه) کرد ازدواج عز السلطنه بود . شاه قبول کرد و امر باز دواج داد عز السلطنه هنگام اجراء امر تصور میکرد عیال صدر اعظم مملکت است و ویرا شکلی و نسبی است . شب زفاف همان ملا آغاسی دلقک راه مکه خود را دید که بنام حاجی آغاسی صدر اعظم آخر شوهرش گردیده است .

بقیه از صفحه ۳

غوغای آب و

بدیهی است چند سال دیگر بکلی بی آب شده و شهر دیمی باید آنرا نامید و آنوقت است که استنجا و استحمام تیمیمی مد خواهد شد ولی تشنگی را نمیشود با هیچ چیز جبران کرد . بنابر این از کمین خورشید که از مکه شهر مخصوصا متولین بفکر تکثیر آب بوده با معاضدت شهرداری در جفر چاههای عمیقی در نقاط مختلف شهر و با احداث قنوات متعدد اقدام فوری و عاجل نمایند . در غیر اینصورت باید از هم اکنون تهیه شتر و یا وسایل دیگری برای آب کشی از شهرهای مجاور و یا دبه ها نمود . پایت

۲۸ مرداد ۱۳۲۰

خبرهای کشور

بطوریکه از آبادان اطلاع میدهند ساعت ۷ صبح روز شنبه آقای حسین مکی بنا بدعوت آقای حسین فرهودی اما بنده مجلس شورای ملی برای دیدن شهر دز فول بسمت دزفول حرکت کردند .

آقایان مهندس بازرگان و مهندس فلاح که بنا بدعوت آقای مهندس بلالی برای بازدید بالایشگاه نفت بکرمانشاه رفته بودند با هواپیما وارد آبادان شد .

ساعت ۱۹ روز جمعه آقای حسین مکی در بالکن عمارت شهرداری آبادان برای کارگران سخنرانی نمودند . یکساعت قبل چندین هزار نفر در مقابل شهرداری و خیابانهای اطراف آن برای استماع سخنرانی اجتماع نموده بودند .

خبرهای شهری

بازگشت برادران زنجان که خبر ورود آنها را تفصیلا در شماره قبلی گفته بودیم روز پنجشنبه ساعت ۵ صبح برنجیان مراجعت آقای شاکر رئیس محترم فرهنگستان پنج عده از فرهنگیان و ورزشکاران کرمانشاه تا طاق بستان از آن مشایعت نمودند .

نتیجه مسابقات

نتیجه مسابقات ورزشی بین تیم کرمانشاه و زنجان با شش فویتال زنجانها برنده شناخته شدند . بفتح کرمانشاهی خاتمه یافت . گلوبند را پاره کرد ولی فی لیل چهارشنبه چند تن از بازیگران کرمانشاهان که از مزاحم عروسی مراجعت میکردند اندک اداره گمرک ساعت ۱۰ بعد از ظهر بدو نفر سارق برخورد یکی از سارقان را با تان حمل و گلوبند پاره میکنند ولی فوراً شوهر آنها از بانوان عقب تر بوده اند در صدای خانها خود را رسانیده از سارقین فرار میکنند نفر دوم کمک نگهبان ژاندارمری که بلا در اثر صدا حاضر میشوند دست بکلانتری جلب مینمایند دستگیر حامل اسلحه کمری بوده است . فعلا جریان امر تحت تعقیب میباشد . انتقال باجه شماره ۱ بانک ایران - شعبه کرمانشاه باجه شماره ۱ بانک ملی ایران محل سابق خود واقع در بازار شهرداری جنب مطب دکتتر انتقال یافت .